

Southeastern Baptist Theological Seminary

آیا جان کالوین به کفاره محدود (مؤثر) باور داشت؟

الهیات مسیحی ۲ کارشناسی ارشد

استاد: ادوین کشیش آبنوس

کد درس: THE6120.PERS-FA2022 Christian Theology II

نام دانشجو: سیامک رستگار - آتن

۱۲ دسامبر ۲۰۲۲

مقدمه

امروزه میلیون‌ها انسان در سرتاسر جهان وجود دارند که باورهای اصلاح شده را چون شالوده آموزه‌های اعتقادی خود پذیرفته‌اند. ایشان بر ارزش نظام الهیاتی گواهی می‌دهند که جان کالوین شکل دهنده آن بود. اصلاحات کالوینیستی و گزاره «اعتقادات اصلاح شده» به الهیات نظام‌مندی اطلاق می‌گردد که کالوین بنیان آن را نهاد. امروزه امری عادی است که بحث‌هایی پیرامون ارتباط جان کالوین با آنچه کالوینیست‌ها به عنوان اصول اعتقادی و بعضاً الهیاتی بیان می‌کنند را در محافل مختلف بشنویم. توصیف کلی از کالوینیست‌ها، به این شرح است که ایشان کسانی هستند که امروزه از سنت الهیات اصلاح شده که توسط کالوین و سایر اصلاح طلبان مطرح شد، پیروی می‌کنند. البته اخیراً بحث‌های زیادی در مورد اینکه آیا خود کالوین واقعاً با کسانی که خود را وام‌داران او می‌دانند، یعنی کالوینیست‌ها هم‌رای است یا خیر، شکل گرفته است. بیشک از قرن شانزدهم تحولات الهیاتی زیادی شکل گرفته و بدیهی است که مواردی را بتوان یافت که کالوین هرگز پیرامون آنها صحبت نکرده باشد. به عنوان مثال، نمی‌توانیم جان کالوین را به درستی یکی از مخالفان دیسپنساسیونالیسم^۱ پیش‌هزاره‌گرایی بدانیم، زیرا این سیستم در آن زمان وجود نداشت. ابداعات دیگری نیز در قلمرو الهیات نظام‌مند وجود داشته که کالوین هرگز درباره آنها سخنی به میان نیاورده است. با این حال، اغلب این سوال مطرح می‌شود که «آیا کالوین یک کالوینیست بود؟» قبل از پاسخ به این سوال، باید مشخص شود که کالوینیست دقیقاً چیست و آراء اعتقاد کالوین بر چه اصولی استوار بوده است.

اگر ما یک «کالوینیست» را به عنوان کسی که از کالوین پیروی می‌کند در نظر بگیریم، قطعاً کالوین یک کالوینیست نبوده است، زیرا در وهله اول کسی نمی‌توان پیرو خود باشد. مشکلی که در اینجا به چشم می‌خورد، مشکل استفاده از اصطلاحات محاوره‌ای است؛ که در قرن بیست و یکم برای ما بسیار آشنا هستند و چرا که تلاش می‌کنیم تا کسانی را در قرون گذشته بیابیم که ممکن است با اصول اعتقادی ما موافق یا هم‌سو باشند. این دقیقاً مصداق آن است که بپرسیم آیا دانیال نبی در الهیات خود اشاره‌ای به تثلیث داشته یا خیر. او به سادگی و به شکل امروزی که ما از آن سخن می‌گوییم، از همان دسته بندی‌های استفاده نکرده است. بهترین شکل طرح این سوال این است بپرسیم: "آیا عقاید و آموزه‌های جان کالوین با میراث الهیات اصلاح شده‌ای که امروز داریم مطابقت داشته است؟" همانطور که دکتر ریچارد مولر اشاره کرده است:

^۱ - Dispensationalism

«پیرامون دعوی مربوط به ادعاهای نویسندگان اصلاح‌طلب، بُعدی که «الهیات حکمی»، شکلی از جبر، یا «متافیزیک تقدیری» بیگانه با اندیشه کالوین را تولید می‌کنند، شاید مهم باشد که این اصطلاحاتی، مانند گل لاله^۲، «کفاره‌ی محدود» را ذکر کنیم؛ آنگاه «مسیح محوری» به هیچ وجه ریشه در قرن شانزدهم و هفدهم ندارند؛ بلکه آنها عمدتاً توصیف‌گر قرن بیستم و یک مسئله ابداع شده هستند.»^۳

با توجه به محدودیت‌های پژوهشی حاضر در این آموزه، این تحقیق به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود، که بر دیدگاه دو بُعدی کالوین در قیاس با کالوینیسم در مورد کفاره تمرکز خواهد داشت؛ که این آموزه، مانند سایر جنبه‌های الهیات اصلاح شده، بحثی مرسوم در میان متکلمان نظام‌مند و تاریخی است؛ که آیا کالوین معتقد بود که کفاره محدود است؟ اگر چنین است، محدود به چه کسی؟ آیا در زمان حیات کالوین این یک سؤال مطرح شده و یک موضوع الهیاتی مرتبط و رایج بود است؟ این سوالات در ادامه این تحقیق مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در نهایت، آخرین بخش، اندیشه‌های پایانی را در مورد دیدگاه کالوین، به نحوی که بتوان آنها رمزگشایی کرد، خواهد پرداخت. از آنجایی که کالوین هرگز تمایلی نداشت که به زبان ساده به ما بگوید که چه موضعی دارد، این وظیفه‌ای خواهد بود که تا حد امکان نقل قول‌های مرتبط را بررسی کنیم و تا جایی که بتوان درک کرد که کالوین در مورد این موضوع بر چه موضعی ایستاده است.

کالوین و دیدگاه الهیاتی او

کالوین در سال ۱۵۰۹م در شهر نوایون فرانسه متولد شد. او در دانشگاه پاریس، اورلئان و بروژ مشغول به تحصیل در باب موضوعات الاهیاتی، علوم انسانی و حقوق؛ و فراگیری زبان لاتین شد. او به شدت مجذوب تفکرات آراسموس و مکتب اومانیسم شد. کالوین به پیشنهاد پدرش در اواخر سال ۱۵۲۸م به تحصیل در رشته حقوق مشغول شد و پس از آن در اورلئان زبان یونانی را فرا گرفت. سال ۱۵۳۴م زمان تجربه دگرگونی اعتقادی و مذهبی او بود.^۴ او در این باره می‌گوید:

«از آنجا که من به خرافه‌پرستی دستگاه پاپی سرسپردگی عمیقی داشتم، خدا برای رهایی سریع من از این باتلاق، ذهن مرا که متناسب با سنم در مورد چنین موضوع‌هایی بسیار صلب و انعطاف‌ناپذیر گشته بود، با يك دگرگونی ناگهانی مطیع خود نمود و آن را به ذهنی تعلیم پذیر مبدل ساخت.»^۵

^۲ - اشاره به ۵ اصل اعتقادی کالوینیسم دارد که به صورت اختصار گل لاله (TULIP در انگلیسی) خطاب می‌شود.
^۳ - ریچارد ای مولر، مقاله: *آیا کالوین یک کالونیست بود؟* این سخنرانی توسط دکتر مولر در کالج کالوین در پاییز ۲۰۰۹ ارائه شد و به صورت PDF در این پیوند قابل دسترس است موجود است:

<https://agrammatos.files.wordpress.com/2018/02/was-calvin-a-calvinist-12-26-09.pdf>

^۴ - تونی. لین، روبرت آسریان، *تاریخ تفکر مسیحی* (انتشارات ایلام ۲۰۱۰). ۲۱۵.
^۵ - همان، ۲۱۹.

او پس از این تجربه تمامی وقت خود را صرف مطالعات الهیاتی کرد که باعث خلق آثار ارزشمندی شد. کالوین رسالات جدلی بسیاری بر علیه کلیسای کاتولیک و آناباپتیست‌ها نوشت. اگر چه او که یک نسل پس از لوتر و به گونه‌ای خود را شاگرد لوتر می‌دانست اما با این حال رسالاتی نیز بر علیه لوتری‌ها به رشته تحریر در آورد.

بی شک میتوان جان کالوین را یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ که نظرات و دیدگاه او پیرامون موضوعاتی نظیر حکومت، حکمت، اخلاقیات و الهیات و همچنین جنبش اصلاحات در اروپا دانست. تاثیر تفکرات کالوین بیش از چهارصد سال بر زندگی بر زندگی میلیون‌ها نفر تأثیری غیر قابل انکار بر جای گذاشت. او در دومین نسل از اصلاحگران بود و آنچه به الهیات او نظام‌مندی می‌بخشد حاکمیت مطلقه خداست. او به شدت به شکل بخشیدن به نظام الهیاتی توجه ویژه داشت. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد کالوین نظم بخشیدن به الهیات یا نظام‌مند ساختن الاهیات پروتستان است. او برای تبیین الاهیاتی خود، از تفکر اومانیسیم‌ها، مکتب نوآگوستینی و همچنین رواقیون بهره گرفت و بطور خاصی به آثار آگوستین توجه می‌نمود. کالوین درکی پادشاهانه از خدا و جلال او داشت که این خصیصه برخی از انبیا در عهد عتیق بود.

بطور کلی اعتقاد کالوین بر چند اصل کلی استوار است. او به هبوط کاملاً انسان و در نتیجه آن تباهی برای تمامی بشریت از طریق آدم اعتقاد داشت. در این تعریف هیچ عمل انسانی، قادر نخواهد بود رستگاری را برای انسان رقم بزند؛ چرا که اراده انسان بطور کامل تباہ شده است. همچنین کالوین همواره تعلیم می‌داد که نجات انسان به برگزیدگی نامشروط فرد بستگی دارد و به شایستگی فرد یا پیشدانی خدا ارتباطی ندارد. این برگزیدگی که بر اساس اراده حاکمانه خدا استوار می‌باشد؛ شکلی دوگانه یا دو سویه دارد؛ یعنی برخی برای رستگاری و برخی برای محکومیت برگزیده شده‌اند. از دیگر اعتقادات کالوین، کار مسیح بر روی صلیب است که به کسانی محدود می‌شود که از پیش برای رستگاری برگزیده شده‌اند؛ این اعتقاد همان آموزه کفاره محدود است. آموزه فیض مقاومت ناپذیر نتیجه گریز ناپذیر برگزیدگانی است که بدون میل و دخالت اولیه خودشان نجات را دریافت می‌کنند؛ چرا که روح القدس به شکلی غیر قابل مقاومت ایشان را به سوی مسیح جذب می‌کند. آخرین بخش از آنچه کالوین به آن باورمند است؛ مداومت یا مقاومت مقدسین می‌باشد که به عنوان آخرین اصل این نگرش الهیاتی مطرح می‌گردد. این به این معنا می‌باشد که مقدسینی که توسط روح القدس به شکل مقاومت ناپذیری رستگاری را دریافت کرده‌اند، هرگز آن را از دست نخواهند داد. این اصول کلیات الهیات کالوین را شکل و سازماندهی می‌کند.^۶

^۶ - الستر مک کراث، درآمدی بر الهیات مسیحی، عیسی دیباج (انتشارات ایلام ۲۰۱۰). ۷۳

کالوینیسیم و اعتقادات کالوینیستی

کالوینیسیم عنوانی است که نشان خود را از نام جان کالوین آریه گرفته است. این نام برای اولین بار توسط یکی از الهیات‌دانان لوتری در سال ۱۵۵۲م مورد استفاده قرار گرفت.^۷ علی‌رغم بار منفی مفهومی آن، این نام به طور فزاینده‌ای مورد استفاده قرار گرفت و رایج شد تا به این طریق کالوینیسیم‌ها را دیگر شاخه‌های پروتستان متمایز کند. به شکلی مختصر می‌توان اذعان داشت که اصول اعتقادی کالوینیستی در پنج نکته که به صورت مخفف TULIP^۸ (به معنی گل لاله) خطاب می‌شود، خلاصه می‌گردد:

۱. (T) تباهی کامل - در نتیجه سقوط آدم، کل نژاد بشر تحت تأثیر این عمل قرار گرفته که باعث موت تمام بشریت در گناهان است. انسان به دلیل تباهی اراده، قادر نیست تا نجات خود را رقم بزند (پیدایش ۶: ۵؛ ارمیا ۱۷: ۹؛ رومیان ۳: ۱۰-۱۸).
۲. (U) برگزیدگی نامشروط - چون انسان به سبب گناه مرده است، توان پاسخگویی و واکنش را در برابر خدا ندارد. بنابراین، در خداوند در ازلیت، افرادی خاص را برای رستگاری انتخاب نمود. این برگزیدگی نامشروط است. بر اساس کنش انسانی نیستند (رومیان ۸: ۲۹-۳۰؛ ۹: ۱۱؛ افسسیان ۱: ۴-۶، ۱۱-۱۲) زیرا انسان قادر به پاسخگویی نیست و همچنین میل به پاسخ‌گویی ندارد.
۳. (L) کفاره محدود - از آنجا که خدا تصمیم گرفت که برخی از افراد خاص بر طبق برگزیدگی نامشروط نجات یابند، همچنین معین نمود که مسیح تنها برای برگزیدگان بمیرد. همه کسانی که خدا برگزیده و مسیح برای آنها مرده، نجات خواهند یافت (متی ۱: ۲۱؛ یوحنا ۱۰: ۱۱؛ ۱۷: ۹؛ اعمال رسولان ۲۰: ۲۸؛ رومیان ۸: ۳۲؛ افسسیان ۵: ۲۵).
۴. (I) فیض مقاومت ناپذیر - کسانی را که خدا برگزیده از طریق فیض مقاومت ناپذیر به سوی خود جذب می‌شوند. این اشتیاق خداوند در انسان برانگیخته می‌کند، تا زمانی که خدا می‌خواند، انسان پاسخ دهد (یوحنا ۶: ۳۷، ۴۴؛ ۱۰: ۱۶).

⁷- Bernard Cottret, *Calvin, A Biography*, (A&C Black Publisher 2003). 239

⁸- T: Total Depravity, U: Unconditional Election, L: Limited Atonement, I: Irresistible Grace, P: Perseverance of the Saints

۵. (P) استقامت مقدسین - کسانی که واسطه خدا منتخب می‌گردند و از طریق روح القدس به سوی خود

جذب می‌گردند، در ایمان راسخ خواهند داشت. کسانی را که خدا برگزیده است؛ هرگز گم نخواهد شد.

آنها از امنیتی ابد برخوردار هستند (یوحنا ۱۰: ۲۷-۲۹؛ رومیان ۸: ۲۹-۳۰؛ افسسیان ۱: ۳-۱۴).

در حالی که تمامی این آموزه‌ها مبنایی کتاب مقدسی دارند، بسیاری از مردم همه یا برخی از آنها را رد می‌کنند. اما کالوینسم‌ها چهار اصل، به چهار اصل یعنی تباهی کامل، برگزیدگی نامشروط، فیض مقاومت‌ناپذیر و استقامت مقدسین به عنوان آموزه‌های کتاب مقدس اعتقاد کامل دارند. انسان قطعاً گناهکار است و نمی‌تواند به تنهایی به خدا ایمان بیاورد. خدا مردم را تنها بر اساس اراده خود انتخاب می‌کند؛ انتخاب بر اساس شایستگی شخص منتخب شده نیست. تمامی کسانی که خدا برگزیده به او ایمان خواهند آمد. کسانی که متولد تازه یافته‌اند در ایمان خود پایدار خواهند بود. اما در مورد کفار محدود، کالوینست‌های چهار اصل معتقدند که کفار گناهان نامحدود می‌باشد و بر اساس اول یوحنا باب ۲ آیه ۲ استدلال می‌کنند که عیسی برای گناهان تمام جهان مُرد، نه فقط برای گناهکاران برگزیده.

اما در مورد کالوینسم‌های پنج اصل، نگرش کالوینسم‌های چهار اصل دارای اشکال است. اولاً، آنها استدلال می‌کنند، اگر تباهی کامل بشریت درست باشد، پس کفار نامحدود احتمالاً نمی‌تواند درست باشد، زیرا اگر عیسی برای گناهان تمامی مُرد، پس این که آیا مرگ او برای یک فرد قابل اجرا است یا نه، بستگی به این دارد که آیا آن شخص نجات توسط عیسی را می‌پذیرد یا خیر. اما از شرح فوق در مورد تباهی کامل قید شد که انسان در حالت طبیعی هیچ ظرفیتی برای انتخاب خدا حتی تمایلی به این امر ندارد. علاوه بر این، اگر کفار نامحدود درست باشد، جهنم پر از افرادی است که مسیح برای آنها مرد است. با این اوصاف او خون خود را بیهوده برای آنها ریخته است.

کالوین و شواهدی بر کفاره نامحدود

در این قسمت، نگاهی به استدلال‌های موافق و مخالف معاصر در مورد موضع کالوین مورد لزوم واقع می‌گردد. این بخش ترکیبی از نقل قول‌های کالوین و همچنین نویسندگان معاصر می‌باشد. بررسی مکتوبات کسانی که معتقدند کالوین دیدگاهی جهانی در مورد کفاره داشته یا محدود، بسیار جذاب است. از طرفی این موضوع مورد توجه دیگر محافل و بطور خاص باپتیست‌های جنوبی است که اغلب مورد بحث واقع می‌شود. در کنوانسیون باپتیست جنوبی، حرکتی به سوی اصلاحات در کنوانسیون صورت گرفت. این گروه همواره برای بینش الهیاتی به بنیانگذاران کنوانسیون باپتیست جنوبی چشم دوخته بودند، به ویژه در جایی که از سنت اصلاح شده پیروی می‌کنند. جنبش بنیانگذاران در کنوانسیون باپتیست جنوبی بسیار رشد کرده است و این وضعیت موجود بسیار مورد توجه قرار گرفته است. پس از

کنفرانس بیلدینگ بریدجز^۹ در نوامبر ۲۰۰۷، که ائتلافی که در کنوانسیون باپتیست جنوبی شکل گرفت که در آن موارد عناصر کالوینیستی و غیر کالوینیستی کنوانسیون را ترویج می‌کردند؛ عنصر ضد کالوینیستی یک سال بعد از آن برای مقابله با هر گونه احساسات رو به رشد کالوینیستی به سرعت در کنفرانسی موسوم به «یوحنا ۳: ۱۶» گرد هم آمدند. نکته‌ای که در این کنفرانس به ویژه توسط دکتر دیوید آلن، که رئیس دانشکده الهیات در حوزه سمیناری باپتیست جنوب غربی است، به شدت مورد توجه قرار گرفت، ادعا این بود که جان کالوین خود به کفار محدود معتقد نبود. همانطور که اندرو لیندزی در وبلاگ خود نقل قول‌های متعددی را به رشته تحریر در آورد تا نشان دهد که کالوین به کفار محدود معتقد نبوده است.^{۱۰}

این همان نوع استدلالی است که دکتر نورمن گیسلر در مورد این که آیا کالوین به کفار محدود پایبند بوده یا نه، و در نهایت به این نتیجه رسیده که او یک کالوینیست بود، در مقابل موج حمله رو به رشد استفاده کرد؛ که این خود نمایشگر این معنا است که الهیات اصلاح شده در کلیساهای انجیلی بیش از پیش پذیرفته و اجرا می‌شود. از این کارزار این طور برآیند می‌شود که ایشان فکر می‌کنند که یکی از بهترین راه‌ها برای مبارزه با این مشکل این است که نشان دهند کالوین به کفار محدود اعتقاد ندارد. حتی اگر این مورد درست بود، این تردید وجود دارد که همه کالوینیست‌های انجیلی که با کالوین در مورد کفار اختلاف نظر داشتند، سیستم را رها کنند. بسیاری در مجامع اصلاح‌شده در مورد مسائل مختلف با کالوین اختلاف نظر دارند.^{۱۱} به عنوان مثال، گیسلر در یکی از کتاب‌های معروف خود پیوست کاملی به کالوینیست بودن یا نبودن کالوین (با اشاره ویژه به آموزه کفار محدود) اختصاص داده است. گیسلر توضیح می‌دهد که در اندیشه کالوین، واژه «بسیاری» که مسیح برای آنها می‌میرد در رومیان باب ۵ اشاره به تمام بشریت است.^{۱۲} او به نقل از نظرات کالوین در مورد رومیان ۵: ۱۵، ادامه می‌دهد:

«با این حال، باید توجه داشته باشیم که پولس در اینجا عدد بزرگتری را با تعداد زیاد مقایسه نمی‌کند، زیرا او در مورد تعداد زیادی از نوع بشریت صحبت نمی‌کند، بلکه او استدلال می‌کند، از آنجایی که گناه آدم بسیاری (همه) را نابود کرد، عدالت مسیح برای نجات بسیاری (همه) مؤثر نخواهد بود.»^{۱۳}

^۹- Building Bridges

^{۱۰}- اندرو لیندزی، کنفرانس یوحنا ۳: ۱۶، پیامی در مورد کفار محدود توسط دکتر دیوید آلن، قابل مشاهده در پیوند: <http://www.challies.com/guest-bloggers/john-316-conference-message-on-limited-atonement-by-dr-david-allen>

^{۱۱}- نورمن گیسلر، انتخاب شده اما آزاد، (گروه انتشارات بیتنی هاوس، ۲۰۰۱)، ۱۵۸

^{۱۲}- همان، ۲۰۰

^{۱۳}- همان، ۲۰۰

گیسلر، همراه با سایر منتقدان آموزه اصلاح شده کفار محدود، بر اظهارات کالوین تمرکز می‌کنند که منظور او از واژگان «جهان» و «همه» یعنی «کل نژاد بشریت» است. در این رابطه، آنها کالوین را به همان شیوه‌ای درک می‌کنند که کتاب مقدس را درک می‌کنند. به تعبیر یک عبارت متداول الاهیاتی انجیلی، «جهان به معنای جهان است، و این همه معنای همان جهان را دارد». یعنی هر گاه کلمه «دنیا» به کار می‌رود، لزوماً باید به معنای یکایک انسان‌هایی باشد که تا به حال زندگی کرده‌اند، نه چیز دیگری.

در سطحی علمی‌تر، دکتر آر. تی. کندال استدلال کرده که خود کالوین کاملاً مخالف کالوینیسم، به ویژه الهیاتی تئودور دوبز، در مورد ماهیت کفار است. با این حال، از نظر کندال، این بحث کمتر با واژگان کالوین در قیاس با آموزه اطمینان او ارتباط دارد. دکتر کندال در این مورد اینطور عنوان می‌کند:

«کالوین بر مرگ مسیح در ارتباط با اطمینان از نجات تأکید می‌کند، اما منشأ ایمان نجات‌بخش به کار شفاعتی مسیح را در دست راست پدر قرار می‌دهد. کالوین ادعا می‌کند در حالی که مسیح برای همه مرد، «او برای همه دعا (شفاعت) نمی‌کند». اگر مسیح برای همه نمرده بود، ما نمی‌توانستیم اطمینان داشته باشیم که گناهان ما در نظر خدا کفار شده باشد.»^{۱۴}

این در تضاد شدید با دیدگاه کندال از تدریس تئودور دوبز در مورد این موضوع است. مطمئناً تئودور دوبز مفهوم توسعه یافته‌تری از آموزه کفار داشت. این در برخی از آثار منتشر شده او در اوایل ۱۵۶۳^{۱۵} که اتفاقاً سال قبل از مرگ کالوین است، نشان داده شده است. جالب است بدانیم که هیچ گزارشی مبنی بر شکاف بین کالوین و تئودور دوبز در این مورد از الهیات وجود ندارد، مورد دیگری که قابل توجه است، این است که کالوین هیچ ابایی از اصلاح افرادی که با آنها مخالف بود نداشت. با این وجود، کندال دوباره از نقطه نظر اطمینان در مورد دوبز برخلاف درک خود از کالوین به این موضوع می‌پردازد. این درحالی است آموزه دوبز مستلزم استفاده از قیاس عملی است تا او متقاعد شود که یکی از کسانی است که مسیح برای آنها مرد است. این نوع استدلال مطمئناً باعث می‌شود که گفته دوبز در مقایسه با کالوین، سرد و بی احساس به نظر برسد. اینکه آیا این دو دوست و معاصر واقعاً در باب این موضوع با یکدیگر اختلاف داشتند یا نه، در بخش بعدی بررسی خواهد شد.

^{۱۴} - آر. تی. کندال، کالوین و کالوینیسم انگلیسی تا ۱۶۴۹ (نیویورک، دانشگاه اکسفورد ۱۹۸۱)، ۱۳-۱۴
^{۱۵} - همان، ۲۹

کالوین و شواهدی بر کفاره محدود

در این قسمت برای درک بهتر از نظر کالوین در این مورد، اول تیموتائوس ۲: ۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد. کالوین اینطور عنوان می‌کند:

«اصطلاح جهانی "همه" باید همیشه به طبقات اطلاق شود یعنی انسان‌ها و نه به افراد. گویا او گفته بود که نه تنها یهودیان، بلکه غیریهودیان، نه تنها افراد فروتن، بلکه شاهزادگان نیز با مرگ مسیح رستگار شدند. از آنجایی که او آرزوی منفعت مصلحت مرگ خود را دارد.»^{۱۶}

آیا این نشان نمی‌دهد که استفاده خود کالوین از اصطلاحات جهانی احتمالاً با این نوع کاربرد تعدیل شده است؟ دکتر راجر نیکول در مورد این بخش از گفته‌های کالوین به موارد زیر اشاره کرده است:

عادلانه نیست که کالوین جمله آخر را از باقیمانده پاراگراف جدا کند و بر این اساس وانمود کند که از کفاره جهانی حمایت می‌کند... برخی از قطعات کالوین که در آنها زبان جهانی به نظر می‌رسد، ممکن است از نقطه نظر کالوین توضیح داده شود. توجه شدید به انحصار میانجیگری مسیح به عنوان تنها راه دسترسی واقعی به خدا، و در تضاد با دیدگاه‌هایی است که در آن واسطه‌های دیگر (مریم، مقدسین) یا سایر اصول پذیرش نزد خدا (کارهای نیک، دستیابی به تقدیس) تصور می‌شد. موثر باشد.^{۱۷}

در حالی که بسیاری از دانشمندان و متکلمان دیگر وجود دارند که با نظر دکتر نیکول و موری در مورد موضع کالوین در مورد کفاره موافق هستند. کالوین بارها بیان می‌کند که مسیح واقعاً از طریق فیض الهی برای ایمانداران آن شایستگی پارسایی را مهیا کرده است. او متذکر می‌شود که «با اطاعت از مسیح، ما به لطف او باز خرید و عادل شمرده می‌شویم.» آیا این را می‌توان در مورد بی‌ایمانان نیز به کار برد؟ آیا به شخصی که تولد دوباره را ندارد، می‌توان گفت که مورد لطف خدا قرار گرفته است؟ لطف باز خریدی که تنها به کسانی تعلق می‌گیرد که از پیش برای آنها اعمال شده است. توجه به این نکته بسیار مهم است، کالوین در برخی مواقع از ادبیاتی با مفهوم جهانی استفاده می‌کند. اما در اینجا او قطعاً از چنین ادبیاتی استفاده نمی‌کند. یعنی این که کار مسیح برای «ما» یعنی مسیحیان انجام شده است.

^{۱۶} - جان کالوین، تفسیر رسالات به تیموتائوس، تیتوس و فیلمون، (انجمن ترجمه کالوین ۱۹۸۵)

^{۱۷} - Roger Nicole, *John Calvin's View of the Extent of the Atonement*, (WTJ Publisher 1985), 214.

در کتاب موسسات دینی مسیحیت از جان کالوین، می‌توانیم چیزهای زیادی در مورد الهیات کالوین و نحوه تطبیق آن با یکدیگر بیابیم. در کتاب یاد شده، کالوین اینطور عنوان می‌کند:

این که مسیح، با اطاعت خود، فیض را برای ما نزد پدر باز خرید نمود. من این را بدیهی می‌دانم که اگر مسیح به خاطر گناهان ما راضی [به مرگ] شد، اگر با اطاعتش خدا را خشنود کرد، پس توان ما را پرداخت. اگر او رنج کشید و بی‌عدالتی ظالمانه‌ای را متحمل شد، رستگاری همراه عادلشمردگی او برای ما حاصل شد. که فقط برابر با شایستگی است. اکنون، شهادت پولس این است که ما از طریق مرگ او از آشتی برخورداریم (رومیان ۵: ۱۱). اما اگر جرمی حادث نشده باشد پس چیزی برای آشتی وجود نخواهد داشت. این بدان معنا است که خدایی که از ما به واسطه گناه نفرت داشت، به واسطه مرگ پسرش آرام گرفته و به ما شفقت نمود.^{۱۸}

در حالی که کلمه "کفاره" در این قطعه استفاده نشده است، واضح است که کالوین بر مزایای کار مسیح تمرکز دارد. در اینجا، کالوین فقط از مزایایی که برای ایمانداران اعمال می‌شود صحبت می‌کند. از نظر الهیاتی، این با دیدگاه اصلاح شده کفاره همخوانی دارد. یقیناً بخشش گناه از مزایای کار مسیح است، و اگر فواید آن واقعاً فقط برای برگزیدگان اعمال شود، منطقی است که کار مسیح تنها با در نظر گرفتن برگزیدگان انجام شده است. بخش قبلی تنها موردی نیست که کالوین به موضع خود در مورد کفاره اشاره می‌کند. در بخش‌های متعددی در سراسر کتاب مذکور، کالوین اغلب تأکید می‌کند که خدا برگزیدگان را دوست دارد، نجات و قدوسیت آنها را طرح ریزی می‌کند، در حالی که از افراد مطرود متنفر است، گناه و لعنت ابدی را برای آنها برنامه‌ریزی می‌کند. کالوین دفاع گسترده‌ای از آموزه‌ی تنبیه خود ارائه می‌کند، مجدد این طور به نظر می‌رسد که ما را وادار می‌کند که او را به عنوان شخصی که معتقد به رستگاری خاص تفسیر کنیم. با توجه به محدودیت‌های این تحقیق، ارائه‌ی تمامی گفته‌ها و نظرات امکان پذیر نمی‌باشد.

نتیجه

پس از سنجیدن شواهد موافق و مخالف درک کالوین از کفاره خاص یا محدود، به نظر می‌رسد که او واقعاً متقاعد شده بود که مسیح مرد تا تنها گناهان برگزیدگان را مورد فیض قرار دهد. اگرچه گاهی اوقات او از زبانی جهانی در مورد کفاره استفاده می‌کرد، زبانی که او استفاده می‌کرد مبهم‌تر از خود کتاب مقدس در مورد این موضوع نیست. تمام زبان جهانی کالوین در مورد این موضوع باید از طریق استفاده او از زبان خاص تفسیر شود. به علاوه، وقتی در کنار

¹⁸- John Calvin, *Institutes of the Christian Religion*, (Grand Rapids Publisher 1845). 445

باقی الهیات او به این موضوع نگاه می‌کنیم، حداقل می‌توان گفت که آموزه کفارہ محدود با بقیه الهیات او سازگار است. اگرچه او به صراحت در مورد این موضوع مطلبی ننوشته است، اما اگر کالوین را ثابت قدم بدانیم، باید به این نتیجه برسیم که دیدگاه او در مورد کفارہ، محدود می‌شود.

این دو نکته، هنگامی که با این واقعیات ترکیب شود که تئودور دویز که متأله معاصر، معتمد و جانشین کالوین بود؛ به نفع رستگاری خاص در طول زندگی کالوین نوشت و هیچ اشاره‌ای به اختلاف نظر با کالوین در این مورد نکرد. از همینجا به نظر می‌رسد شواهد قاطعانه‌ای به دست می‌آید که نشان از دیدگاه کالوین به کفارہ محدود می‌دهد. این شواهد به برای کسانی که از سنت‌های اصلاح طلبان و به طور کلی از کالوین به طور خاص پیروی می‌کنند، قابل تحمل نیست، باید توجه داشت که ما باید تنها تا آنجایی که کالوین از کتاب مقدس پیروی می‌کرد، پیروی کنیم. کالوین کلام نهایی در مورد هیچ موضوعی نیست بلکه کتاب مقدس است. بنابراین، حتی اگر بدون هیچ تردیدی به نحوی ثابت شود که کالوین به کفارہ جهانی پایبند بوده است، ما نیازی به پیروی از کالوین نداریم، زیرا او خودش می‌خواهد که ما از کتاب مقدس در جایی که او اشتباه کرده است؛ پیروی کنیم.

منابع

- مککراث، الستر. عیسی دیباج. *درآمدی بر الهیات مسیحی* (انتشارات ایلام ۲۰۱۰)
- کرنز، ارل ای. آرمان رشدس. *سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ* (انتشارات ایلام ۲۰۱۰)
- لین، تونی. روبرت آسریان. *تاریخ تفکر مسیحی* (انتشارات ایلام ۲۰۱۰)
- کالوین، جان. *تفسیر رسالات به تیموتائوس، تیتوس و فیلمون*، (انجمن ترجمه کالوین 1985)
- کنдал، آر. تی. *کالوین و کالوینیسم انگلیسی تا ۱۶۴۹* (نیویورک، دانشگاه اکسفورد ۱۹۸۱)
- لوکاس، هنری. عبدالحسین آذرنگ. *تاریخ تمدن*، (انتشارات سخن، ۱۳۸۲)
- دورانت، ویلیام جیمز، فریدون بدره‌ای و دیگران، *تاریخ تمدن: اصلاح دینی*. ج ۶، (علمی و فرهنگی ۱۳۷۳)
- الز، اندرو فیلی، احمدرضا مفتاح و حمید بخشنده، *مسیحیت در جهان امروز*، (انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵)

Calvin, John. *Institutes of the Christian Religion*, (Grand Rapids Publisher 1845)

Nicole, Roger. *John Calvin's View of the Extent of the Atonement*, (WTJ Publisher 1985)

Cottret, Bernard, Calvin, *A Biography*, (A&C Black Publisher 2003)